

## ضرورت تصحیح مجدد دیوان ابوالفرج رونی

مریم محمودی\*

### چکیده

ابوالفرج رونی از شاعران توانایی است که شعر او به دلایل مختلف دارای اهمیت است. دیوان این شاعر شامل قصاید، قطعات، رباعیات و غزلیات تاکنون دو بار در ایران تصحیح و منتشر شده است. نخستین بار در سال ۱۳۰۴ به اهتمام چایکین و بار دوم در سال ۱۳۴۷ به کوشش محمود مهدوی دامغانی. این مقاله با بررسی چاپ اخیر ضعف‌ها و نارسایی‌های آن را در چند مورد نشان می‌دهد؛ از جمله، شیوه تصحیح (نامشخص بودن و غیر انتقادی بودن آن)، اشکالات مربوط به نسخه بدل‌ها (ذکر نکردن نسخه بدل‌ها، ضبط نادرست نسخه بدل‌ها، ضبط نکردن حواشی نسخه بدل‌ها)، اشکالات مربوط به تعلیقات، نقص در نمایه‌های پایانی و غلط‌های چاپی. بدین ترتیب مشخص می‌شود این تصحیح از دیوان ابوالفرج که امروزه در دسترس است خطاها و اشکالات کوچک و بزرگ بسیاری دارد که تصحیح دوباره دیوان مذکور را توجیه می‌کند.

### واژه‌های کلیدی

ابوالفرج رونی، دیوان اشعار، تصحیح متون، تصحیح محمود مهدوی دامغانی.

### مقدمه

ابوالفرج رونی از شاعران بزرگ قرن ششم هجری است که تاریخ تولد و وفات او در هیچ یک از تذکره‌ها ثبت نشده است. در تعلیقات چهار مقاله به طور مشروح و مفصل مطالب ارزشمندی درباره تاریخ احتمالی وفات او آمده است که نشان می‌دهد ابوالفرج بعد از سال ۴۹۲ هـ ق که سال جلوس سلطان مسعود است قطعاً حیات داشته است. (ر.ک. نظامی عروضی، ۱۳۸۱: ۱۱۹-۱۱۵ و نیز عثمان مختاری، ۱۳۸۲: ۶۷۰-۶۶۷). «اصل او از رونه و مولد و منشأ او مانند مسعود سعد در لاهور بوده است» (صفا، ۱۳۶۲: ۴۷/۲). ابوالفرج در دربار سلطان ابراهیم بن مسعود غزنوی در شاعری به شهرت رسید و علاوه بر این شاه و پسرش، عده‌ای دیگر از بزرگان دربار این دو پادشاه و نیز سلطان مسعود را مدح کرد.

\* دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان m.mahmoodi75@yahoo.com

او از پیشروان تغییر سبک خراسانی به سبک عراقی است که توانسته است «پیش از کمال اعتلای شعر فارسی خاصه در فن قصیده‌سرایی راهی نو در شاعری بگشاید و شیوه‌ای تازه پدید آورد و تعبیرات و ترکیبات و تشبیهات و استعارات بدیع از آن گونه که به ذهن شاعری نرسیده و سیمرخ و هم هیچ گوینده را قوت عروج بدان بالا نبوده باشد در شعرهای خویش عرضه کند» (محبوب، بی تا: ۵۷۸). در اهمیت شعر و روش ابوالفرج همین بس که انوری را دنباله رو او دانسته‌اند: «انوری در آغاز شاعری ابتدا از ابوالفرج رونی پیروی می‌کرده و تتبع شعر او می‌نموده... او به شعر ابوالفرج بیش از سایر شعرا توجه داشته و دیوانش را پیوسته مطالعه می‌کرده و حتی در جمع اشعار وی اهتمام داشته» (انوری، ۱۳۷۲: ۱۰۰/۱). شاید یکی از دلایل تمایل انوری به سبک ابوالفرج این باشد که او نیز همچون ابوالفرج به تقلید از شعرای متقدم میل زیادی نداشته و می‌خواسته است افکار و عبارات نو و تراکیب و معانی دور از ذهن را در شعر خود به کار برد (نفیسی، ۱۳۶۸: ۴۴).

دیوان ابوالفرج مشتمل بر قصاید، قطعات، رباعیات و غزلیات است و فروزانفر تعداد ابیات دیوان او را حدود چهار هزار بیت نوشته‌است (فروزانفر، ۱۳۸۳: ۳۱۸)، صاحب تذکره ریاض الشعرا تعداد ابیات دیوان او را دو هزار و دو بیست بیت برآورد می‌کند (واله داغستانی، ۱۳۸۴: ۸۰/۱) در حالی که در نسخ خطی در دسترس و نیز نسخه‌های چاپی این تعداد به حدود دو هزار بیت می‌رسد. آنچه مسلم است اشعار ابوالفرج به این تعداد بیت محدود نمی‌شود و بی شک ابیات و اشعاری از او در نسخه‌های موجود نیامده‌است.

#### پیشینه پژوهش

دیوان ابوالفرج رونی ابتدا در سال ۱۳۲۰ هـ ق در هند در حاشیه دیوان عنصری با چاپ سنگی به شکل ناقص و مغلوط به چاپ رسید و پس از آن دو بار در ایران به طبع رسید. نخستین چاپ آن به اهتمام چایکین در سال ۱۳۰۴ هـ ش و به عنوان ضمیمه سال ششم مجله ارمغان صورت پذیرفت. چایکین، مستشرق روسی و مترجم اول سفارت روسیه، در مدت اقامت در تهران با هفت نسخه‌ای که در دست داشت این کتاب را تصحیح کرد. پس از آن میرزا محمدعلی خان ناصح، عضو مؤسس انجمن ادبی ایران، در تصحیح مجدد این متن کوشید و حاشیه‌ای بر آن نوشت. نسخه‌های مورد استفاده چایکین در تصحیح متن عبارت است از:

- ۱- نسخه متعلق به آقای تیمورتاش (بدون تاریخ و نسبتاً قدیمی).
- ۲- نسخه هشت دیوان متعلق به مصحح (بدون تاریخ و نسبتاً تازه).
- ۳- نسخه دیوان ابوالفرج و منتخبات از دیوان سوزنی (نسخه تازه و بدخط).
- ۴- نسخه متعلق به م. بهار.
- ۵- نسخه متعلق به آقای حاجی حسین آقای ملک.
- ۶- نسخه تازه و بدخط دیوان ابوالفرج متعلق به مصحح.
- ۷- جنگ آقای تیمور تاش (ابوالفرج رونی، ۱۳۰۴: ۱۷۹).

این طبع شامل ۱۰۱ قصیده، ۲ هجویه، ۳ غزل و ۵۷ رباعی است. متن دیوان در ۱۴۵ صفحه بدون فهرست اشعار و بدون نمایه‌ای در پایان تنظیم گردیده‌است. تعلیقات محمدعلی ناصح هم در ۳۲ صفحه در آخر دیوان آمده‌است.

در سال ۱۳۴۷ بار دیگر دیوان ابوالفرج به اهتمام محمود مهدوی دامغانی از سوی کتابفروشی باستان منتشر شد. این تصحیح همراه مقدمه‌ای در شرح احوال ابوالفرج و معرفی ممدوحان او و بررسی مختصر ویژگی‌های شعر او و شامل ۷۲ قصیده، ۴ قطعه، ۳ غزل، ۲ هجویه و ۴۶ رباعی است. همچنین قطعه‌ای که مسعود سعد در پاسخ قطعه ابوالفرج سروده و در نسخه‌های در دسترس مهدوی دامغانی موجود بوده در این تصحیح آمده است. قسمت پایانی دیوان شامل قصاید، غزلیات، قطعات و رباعیاتی می‌شود که در نسخه‌های در دسترس دامغانی موجود نبوده اما در چاپ چایکین بوده است. مهدوی دامغانی تعلیقات ارزشمندی نیز در ۲۳۳ صفحه بر این کتاب نوشته است، اما فهراس کتاب تنها محدود به فهرست بعضی از اعلام تاریخی و جغرافیایی و فهرست پاره‌ای از لغات و ترکیبات می‌شود. نسخه‌های مورد استفاده مهدوی دامغانی عبارت است از:

۱- عکسی از نسخه موجود در انگلستان که به وسیله مینوی تهیه شده است. این نسخه مجموعاً در ۱۵ برگ عکس‌برداری شده است. هر برگ آن ۱۱۲ تا ۱۱۹ بیت دارد و مجموعاً ۱۷۵۹ بیت است که از این مقدار چهل و شش بیت رباعی است. هر چند این نسخه فاقد تاریخ کتابت است اما بنا به اظهار مینوی در سال ۶۹۱ یا ۶۹۲ نوشته شده است (با علامت اختصاری م).

۲- عکسی از نسخه عکسی دیوان ابوالفرج که در مجموعه‌ای از نسخه‌های عکسی دیوان شعرای قرن پنجم و ششم در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگهداری می‌شود. این نسخه مجموعاً ۱۶ برگ است و صفحات آن حداقل ۱۱۰ و حداکثر ۱۲۰ بیت دارد و مجموعاً ۱۶۷۰ بیت است که از این مقدار چهل و شش بیت رباعی است. در آخر نسخه نوشته شده است: «تم اللدیوان و الحمد لله شکر فی منتصف شوال سنه ۶۹۹» (با علامت اختصاری د). (لازم به ذکر است که نگارنده این سطور هر دو نسخه «م» و «د» را در اختیار داشته است).

۳- نسخه‌ای از دیوان ابوالفرج در کتابخانه دانشکده حقوق وجود دارد که بسیار تازه و با خط شکسته نستعلیق کتابت شده و تنها در مواردی اندک به آن اشاره شده است (با علامت اختصاری ح).

### بحث و بررسی

موضوع این مقاله بررسی اشکالات چاپ محمود مهدوی دامغانی از دیوان ابوالفرج رونی است که با صراحت ضرورت تصحیح مجدد این دیوان را می‌نمایاند. این موارد در چند دسته کلی شامل شیوه تصحیح، نسخه بدل‌ها، تعلیقات، غلط‌های چاپی و نقص در نمایه‌های پایانی قابل بررسی است. برای پرهیز از تکرار، در ارجاع به چاپ مزبور تنها به ذکر صفحه اکتفا شده است.

### ۱- نامعلوم بودن شیوه تصحیح و انتقادی نبودن آن

روش تصحیح مهدوی دامغانی به گفته خود او چنین است: «بنده متن دیوان چاپ شده [چایکین] را اساس قرار داد. اختلاف نسخی را که در دیوان ذکر شده بود در پاورقی‌ها ذکر نکردم ولی اختلاف نسخه‌های م و د و ح را در پاورقی ذکر نموده قصاید و قطعاتی که در دیوان چاپ شده اما در دو نسخه نبود جداگانه در آخر قرار دارم» (چهل و هفت).

اما گاهی در متن با تصحیح چایکین اختلافاتی دیده می‌شود که به آن‌ها اشاره‌ای نشده است مانند:

کسی که فکر تو بر نهد به ذروه قدم کسی که حکمت او بر کشد به جیحون سر

(۸۱)

در تصحیح چایکین در مصراع دوم به جای واژه حکمت، همت آمده است.

در مواردی آنچه در متن آمده در هیچ یک از نسخه بدل ها وجود ندارد و به منبع آن هم اشاره‌ای نشده است مانند:

موکب منصور او هنوز به موهند بر تن افغان تنیده است فغان را

(۱)

مصراع دوم در تصحیح چایکین و نسخه‌های م و د چنین است: «بر تن افغان همی تنید فغان را» و مشخص نیست که مهدوی دامغانی با توجه به کدام نسخه این ضبط را انتخاب کرده است. نمونه‌های دیگر:

آن سپهری تو در آورد که آورد فلک شور هیجای تو نشانند روز هیجا

تصحیح چایکین، م، د: سپهر

(۵)

آن که بفراشت شرع را گردن و آن که بفزود ملک را بازار

تصحیح چایکین، م، د: بفراخت

(۶۶)

آفاق بگردد به فضل ید بخت تو تعالی مثال ملک

تصحیح چایکین، م، د: به عالی

(۸۹)

ز رشک او بخمد پشت صاحب خرچنگ ز سهم او برسد هوش راکب ضرغام

تصحیح چایکین، م، د: برمد

(۱۰۵)

گاهی نیز مصحح بدون هیچ اشاره‌ای از نسخه بدل‌های تصحیح چایکین استفاده کرده است مانند:

میان چرخ و میان ملاعبش گه لعب جهان و ملک جهان هر دو داو یک ندب است

(همان: ۳۲)

مصراع دوم در طبع چایکین به شکل ناقص آمده است: «جهان و ملک جهان...» و آنچه مهدوی در پایان مصراع افزوده یکی از نسخه بدل‌های چایکین است.

در تصحیح چایکین گاهی ضبط‌های متفاوت در متن آمده که مهدوی همان را بی کم و کاست آورده اما به ضبط

صحیح اشاره‌ای نکرده است مانند موارد زیر:

سوی هر مرحله راهی (پیموده) برده یک تن زیر هر خار بنی شیری کشته تنها

(۴)

همه خردان و بزرگان فلک تا (چون) جوزا	بسته طالع به میان بر کمر خدمت او
(۴)	
چرخ پیش تو گشته (کرده) پشت دو تا	دهر پیش تو مانده دست به کش
(۸)	
وز بنان تو چشم جود کحیل	از بیان تو طبع فضل فرح (فره)
(۹۵)	

بیت های مذکور در چاپ چایکین و مهدوی به همین شکل آمده است و هیچ یک از مصححان به صورت اصح و ارجح آن اشاره نکرده اند.

در تعریف نقد و تصحیح متون گفته اند: «به حاصل آوردن نسخه ای از اثری که بر اساس عرض دادن و مقابله کردن نسخه های خطی معتبر و موثق آن اثر فراهم آمده باشد به طوری که نسخه مذکور، چه از جهت مفهوم و معنی و چه از باب لفظ و صورت، عین نخستین نسخه ای باشد که مؤلف عرضه داشته است و یا لاقلاً هیأتی داشته باشد که مؤلف اثرش را به مانند آن و یا نزدیک به آن فراهم آورده است» (مایل هروی، ۱۳۶۹: ۲۷۰). با روشی که مهدوی دامغانی در تصحیح این دیوان برگزیده است قطعاً این هدف تأمین نمی شود زیرا به جز مواردی که در پاروقی به اصح و انسب بودن آن اشاره شده مشخص نیست که ضبط صحیح کدام است؛ بدین ترتیب این چاپ به هیچ روی تصحیح انتقادی محسوب نمی شود. در یک تصحیح انتقادی و علمی هم باید متن اصلاح شود و هم نسخه بدل ها به درستی و دقت و امانت در اختیار مخاطب قرار گیرد. «رعایت امانت ایجاب می کند که مصحح نه تنها ضبط های نسخ خطی را به نسخه چاپی منتقل کند بلکه از دخالت در آن ها نیز جداً پرهیزد. منظور از دخالت این است که مصحح تنها می تواند یکی از نسخ خود را با استدلال در متن قرار دهد و ضبط های نامرجم را در حاشیه نقل کند اما مجاز نیست متن را به ذوق و سلیقه خود تغییر دهد» (صادقی، ۱۳۸۴: ۲۰۷).

شیوه تصحیح این دیوان با هیچ یک از شیوه های چهارگانه، یعنی تصحیح متون بر مبنای نسخه اساس، تصحیح التقاطی، شیوه بینابین و تصحیح قیاسی مطابقت ندارد و با توجه به نمونه هایی که ذکر شد در مواردی به تصحیح ذوقی نزدیک می شود.

یکی دیگر از اشکالات در تصحیح مهدوی دامغانی وجود اشعار منسوب به ابوالفرج است زیرا در تصحیح چایکین ۲۸ قصیده و قطعه موجود است که در نسخه های م و د نیست. مهدوی دامغانی این قصاید و قطعات را جداگانه در آخر چاپ خود قرار داده است با اعتقاد به این که «به احتمال قوی آن قصاید هم از ابوالفرج رونی است» اما بررسی دیوان رکن الدین دعویدار قمی مشخص می کند برخی از این قصاید و قطعات متعلق به اوست که ابیات آغازین آن ها در ادامه می آید:

مرد هنری از آن غمین است	با اهل خرد جهان به کین است
(دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۰)	
بفراخت ز چرخ تاج و تارک	میمون شد و فرخ و مبارک
(دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۱)	

ندیده چشم گیتی چون تو دستور (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۴)	زهی دست وزارت از تو با نور
سپر بر گیرد و شمشیر و با من جنگ آغازد (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۶)	سوار صبحدم هر روز کز مشرق برون تازد
ز عالم یکی رهبرم آرزوست (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۷)	سر رشته خویش گم کرده ام
صد شربت جان ستان در آمیخت (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۸)	گردون ز برای هر خردمند
به دریا در و عنبر می فرستم (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۸۹)	به گردون نور اختر می فرستم
شبه پیش در ثمین می فرستم (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۰)	گلی سوی خلد برین می فرستم
کمینه بیدق حکمش هزار فرزین است (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۲)	بدان خدای که بر روی رقعہ عظمت
که آن یکی است چو خسرو دگر چو شیرین است (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۳)	چنان به طبع کف راد اوست عاشق جود
زبان علم تر و کام عقل شیرین است (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۴)	بدان خدای که هر دم به شکر نعمت او
پناه و پشت جهان عز دین تواند بود (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۵)	به حکم ایزد و اقرار جمله تاجوران
خوش خوش چو نو بهاری و خوشبو چو عنبری (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۶)	ای باد صبحدم که ز دم روح پروری
نقش کرده خامه قدرت به زیر آفتاب (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۱۹۸)	ای بنان جود تو بر کاغذ روز سپید
به جز تخم نکوکاری نکارد (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۲۰۱)	سر افزا تو آن صدری که طبیعت
که بود اندر آن آرزو سال ها (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۲۰۱)	بر آمد یکی آرزو ملک را
روز و شب مسلک صاحب نظر است (دعویدار قمی، ۱۳۶۵: ۲۰۲)	به خدایی که ره معرفتش

۲- نسخه بدل ها

درج اختلاف نسخه‌ها در تصحیح متون از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا فرصتی را فراهم می‌آورد تا «منتقد با

سنجش و قیاس آن با ضبط های متن، استواری کار مصحح و درست خوانی ها و احیاناً بدخوانی ها و غلط خوانی ها و پختگی یا نارسیدگی روش او را بررسی کند» (صادقی، ۱۳۸۴: ۳۲۸). در ادامه عیوب و نواقص تصحیح مهدوی از این لحاظ بررسی می شود.

## ۲-۱- ضبط نکردن نسخه بدل ها

ضبط نسخه بدلها از روش های علمی در تصحیح متون به شمار می رود اما در تصحیح دیوان ابوالفرج نواقصی در این مورد دیده می شود که به آن ها می پردازیم:

مهدوی دامغانی از دو نسخه م و د (نسخه مینوی و دانشگاه تهران) به عنوان نسخه بدل استفاده کرده است اما در موارد عدیده ای به اختلاف نسخ اشاره نمی کند، به گونه ای که گاه ضبط نسخه د و گاه ضبط نسخه م و گاه ضبط هر دو نسخه ضبط نشده است. آیات زیر نمونه هایی از این موارد است:

قبضه چرخ تو شیطان بیسود و بگریخت  
گفت این نیست مگر عهده لا حول و لا  
د: تیغ

(۵)

از این چهار مصدر که آخشیدجانند  
قوی ترند همین دو مصدر آتش و آب  
د: مقدر

(۲۱)

ای نام تو بخشیده بخشنده ارواح  
آیات رسالت را انفاس تو السواح  
د: بخشنده

(۴۲)

پاک است شغل خیر تو از روی و از ریا  
دور است کار غزو تو از لهُو و از شراب  
م: عزّ تو

(۲۶)

بنمود برق هیبت تو خاصیت به سنگ  
بشکافت سنگ و جوهر او پیر شرار شد  
م: همت

(۴۸)

جرم خوان قمر تو را سفره  
نعل خنگ تو را شهاب شرک  
م و د: جرم خوان تو را قمر سفره

(۸۵)

بسته حکم تو در قلوب و رقاب      جسته امر تو در سنین و شهور

م و د: بسته

(۸۵)

یکی از موارد قابل توجه در این تصحیح، اهمال در ضبط حروف است. بسیار دیده می‌شود که مصحح به تفاوت حروف در نسخه‌ها اعتنایی نکرده است مثلاً در بیت زیر:

چنان بر ب‌أس و امش غالب آمد      که گفتی امن او فصل بهار است

(۳۷)

در تصحیح چایکین و نسخه د، مصراع اول بدون حرف ربط و به این شکل آمده است: «چنان بر ب‌أس امش غالب آمد» و این گونه بیت قابل توجه است در حالی که مهدوی نسخه م را که به شکل زیر آمده اصح و انسب دانسته است:

چنان فرمان و امرش غالب آمد      که گفتی امر او فصل بهار است

(۳۷)

همچنین است بیت زیر:

گر شاخ نوان بود ز بی برگی و بی برگ      از برگ نوا داد دگر شاخ نوان را

(۱۲)

در تصحیح چایکین و نسخه م، مصراع اول بدون حرف ربط آمده است: «گر شاخ نوان بود ز بی برگی بی‌برگ» که موجه‌تر است.

به بیت‌های زیر دقت کنید:

تا بر افراز باشد و به نشیب      آتش و آب را ره رفتار

(۷۲)

آتش برق و بانگ رعد آمیز      پیش فرمان امتحان تو شاک

(۸۵)

در نسخه‌های م و د بیت اول «ره و رفتار» و بیت دوم «فرمان و امتحان» است در حالی که اولاً این صورت‌ها ضبط نشده است و از سوی دیگر توضیحات مهدوی در تعلیقات نشان از آن دارد که در بیت دوم برای ایشان نیز ترکیب «فرمان امتحان» قابل قبول نبوده است. وی در معنی بیت می‌نویسد: «آتش برق و بانگ رعد در قبال فرمان تو آماده و سلاح در بر هستند یا آن که در نزد امتحان تو با خوف و ترس یک پا حاضر می‌شوند» (۲۴۱).

ز گنج او شره و آز فانی او باقی      ز بخت او شغب و فتنه خفته او بیدار

(۶۳)

این صورت ضبط شده هر چند موجه‌تر به نظر می‌رسد اما یکی از نسخه‌های چایکین است و بیت در تصحیح چایکین و نسخه‌های م و د چنین است:

ز گنج او شره و آز فانی و باقی      ز بخت او شغب و فتنه خفته و بیدار

نمونه‌های دیگر از عدم ضبط اختلاف حروف:



طمع خلق مقتدی است بر او  
م، د: بدو  
کعبه جود مقتدا باشد

(۴۶)

از چرخ مشعد نخورد شعبده لیکن  
م: شعبده را  
خواهنده بر او شعبده طمع روا کرد

(۵۳)

ایا گشته مخالف تو را مطیع  
م، د: ایا  
ویا داده زمانه تو را زمام

(همان: ۱۰۲)

من رهی نیز بازگشته به کام  
د: دیده ز اقبال شاه صرف رعیم  
دیده اقبال شاه و صرف رعیم

(۱۱۰)

مسکین من بیدل چه به شب های دراز  
م، د: که  
چون چشم فلک نیامدم چشم فراز

(۱۶۵)

## ۲-۲- ضبط نادرست نسخه بدل ها

در مواردی آنچه به عنوان نسخه بدل از نسخ م و د در پی نوشت آمده با اصل آنها تفاوت دارد که نشان از بدخوانی نسخه است. نمونه‌های زیر از این موارد است:

از اوج فلک همت او ساخته مرکب  
بر فرق زحل رفعت او سوده قدم را

(۱)

شکل صحیح مصراع اول در نسخه د به جای واژه همت، حشمت است در حالی که در پی نوشت، نسخه د به شکل متن ضبط شده است.

ز امن او نکشد شور و فتنه رنج سپهر  
ز سهم او نچشد پیل و پشه راحت خواب

(۲۴)

در نسخه د مصراع اول چنین است: «ز امن او نکشد شور فتنه رنج سپهر» اما در پی نوشت به جای سپهر، ضبط شده است.

با روی تو آبله بسی کوشیده است  
گفتی که دو هفته ماه نو پوشیده است  
تا خلعتی از مهر در او پوشیده است  
روضه گل و یاسمن بر او جوشیده است

(۱۶۱)

مصراع چهارم این رباعی در نسخه های م و د چنین است: «زو صد گل و یاسمن برون جوشیده است» در حالی که در پی نوشت آمده است: «روضه گل و یاسمین بر او جوشیده است».

به زیر عقل کی آرد شمار معروفش      به زیر عقل گر آمد شمار آتش و آب

(۲۰)

مصراع اول در نسخه های م و د این گونه است:

م: به زیر عقل که آرد شمار معروفش؛ د: به زیر عقل کی آرد شمار معروفش

در حالی که در پی نوشت چنین است: م و د: به زیر عقل کی آید شمار معروفش.

در مواردی مهدوی دامغانی صورت اصح و انسب را بر اساس ضبط نادرست نسخه بدل مشخص کرده است چنان که در بیت زیر:

بس گرد نان که گردن چون گوی بردرند      گردد همی ز صولت تو صولجانیا

(۹)

شکل درست مصراع اول نسخه م چنین است: «بس گردنا که گردن چون گوی او بر او» اما مهدوی آن را این گونه ضبط کرده است: «بس گردنا که گردون چون گوی او برد» و همین صورت نادرست را اصح و انسب دانسته است. گاهی بیتی در متن آمده است اما در یک نسخه نیست در حالی که در پی نوشت اشاره شده که «در هر دو نسخه نیست» مثلاً بیت زیر:

رای او برگشاده گوش یقین      جود او بر کشیده دیده آرز

(۸۲)

در نسخه د نیست اما در م هست درحالی که در پی نوشت گفته شده است: «در دو نسخه نیست».

گاهی برخی از قصاید با عنوان یا بدون عنوان در نسخه م یا د آمده است اما در پی نوشت در این باره به اشتباه توضیح داده شده است؛ مثلاً قصیده ۶۹ در نسخه د با ذکر عنوان آمده در حالی که در پی نوشت گفته شده است: «در صفحه ۱۳ و ۱۴ نسخه د بدون ذکر عنوان مکتوب است». قصیده ۵۲ نیز در نسخه د بدون عنوان است اما در پی نوشت به اشتباه گفته شده است: «در صفحه اول نسخه د با ذکر عنوان آمده است».

## ۲-۳- ضبط نکردن حواشی نسخه م

در نسخه م در حواشی برخی از ابیات نکاتی آمده است که مهدوی دامغانی در ضبط نسخه بدل های این نسخه، گاهی متن و گاهی بدون هیچ اشاره ای حاشیه را ذکر کرده و در مواردی که متن چاپی با این نسخه مطابقت داشته از ضبط حاشیه خودداری کرده است. مثلاً در بیت زیر:

کامران بادی در گیتی تا گیتی هست      بسته در دامن امروز تو دامن فردا

(۵)

در حاشیه به جای «امروز» واژه امید آمده اما ضبط نشده است. موارد دیگر:

با همت تو وهم نداند برید راه  
 هامش: چرخ  
 با هیبت تو دهر نیارد چشید خواب

(۲۵)

گر قضا آسمان بفرساید  
 هامش: آستان  
 اوج قدر تو آسمان تو باد

(۵۷)

اختر او چو نام او مسعود  
 هامش: بخت  
 مجلس او چو طبع او خرم

(۱۱۲)

در بیت های زیر بر عکس موارد فوق، حاشیه آمده اما متن ضبط نشده است:

باغ پیرا سته گلزار بهشت  
 متن: آراسته  
 گلبن آراسته حورالعین است

(۳۰)

روضه عشرت است و بیضه لهو  
 متن: موسم  
 موقف رامش است و موضع سور

(۷۳)

مقدم عقل و در جمع اواخر  
 متن: عهد  
 موخر عهد با علم اوایل

(۹۳)

صحن زمین کنام ستور سپاه توست  
 متن: گیاه  
 اوج سپهر صحن ستون خیام توست  
 متن: لوح

(۱۳۰)

### ۳- اشکالات مربوط به تعلیقات

مهدوی دامغانی تعلیقات نسبتاً مفصلی بر دیوان ابوالفرج نوشته است که شامل معانی لغات، اصطلاحات، کنایات و تلمیحات و ذکر اختلاف نسخه ها و در مواردی نقد و ارزیابی آن ها و شرح برخی مصراع ها و ابیات است. بی تردید این تعلیقات با ارزش و سودمند در فهم بسیاری از ابیات مؤثر است اما نقاط ضعفی نیز در آن ها به چشم می خورد. مطابقت نداشتن تعلیقات و صورت ضبط شده یکی از اشکالات است؛ مثلاً در توضیح بیت ۱۱ صفحه ۶۴ از نسخه م ضبطی آورده شده که به نظر مهدوی اصح است در حالی که در پی نوشت ملحوظ نشده است. همچنین در توضیح بیت ۲ صفحه ۶۹ صورتی که از نسخه م آمده با آنچه در پی نوشت ذکر شده تفاوت دارد.

همان طور که گفته شد یکی از اشکالات وارد بر چاپ مهدوی ضبط نکردن همه نسخه بدل هاست. در تعلیقات گاهی از یکی از نسخه‌ها ضبطی آمده است که در پی نوشت نیست؛ مثلاً در توضیح بیت ۷ صفحه ۷۳ ضبطی از نسخه م آورده شده اما در پی نوشت چنین ضبطی دیده نمی‌شود.

گاهی توضیحات مربوط به ضبط نادرست نسخه‌هاست مثلاً در پی نوشت بیت زیر:

تا به شاهین تو بر بست قضا پر عقاب      به حجاب عدم از بیم تو در شد عنقا

(۵)

نسخه م این گونه ضبط شده است: «تا به شاهین قضا پر تو بود دست عقاب...» و در توضیح آن گفته شده است: «نسخه م سکتۀ وزنی دارد»؛ این در حالی است که مصراع به درستی ضبط نشده است و صورت صحیح آن به شکل زیر و بدون سکتۀ وزنی است:

تا به شاهین قضا پر تو بوده است عقاب      به حجاب عدم از بیم تو زان شد عنقا  
در توضیح بیت:

صد بار به چنگ آمد معلوم جهانش      زین دست به چنگ آمد و زان دست عطا کرد

(۵۳)

گفته شده است: «ظاهراً نسخه م که به این صورت "صد بار به چنگ آمد معمور جهانش" می باشد اصح و انسب است چه معمور یعنی آبادی و در بیت مراد مال و نعمت است» (۳۰۴). در حالی که معلوم در معنای مال، وجه، پول، زر، درم و دینار است (معین: ۱۳۶۴: ذیل معلوم) و به نظر مناسب تر است.  
در توضیح بیت:

وهم او دیده باد را صورت      سهم او کرده کوه را شدیار

(۷۱)

آمده است: «از معانی باد یکی هدف است و در این صورت معنی مصراع اول روشن است، یعنی وهم ممدوح صورت هدف و کنه خواسته همگان را درک می‌کند» (۳۲۶). بی‌تردید قصد شاعر آن است که وهم ممدوح را از نظر سرعت بر باد برتری دهد. در بیتی دیگر هم حلم ممدوح را به باد تشبیه می‌کند:

اگر شمایل حلمش به باد در گذرد      دهد شکوه تجلیش باد را لنگر

(۸۱)

درباره بیت:

آمد آن تیر ماه سرد سخن      گرم در گفتگوی شد با من

(۱۲۳)

گفته شده است: «آقای ناصح در تعلیقات به صورت مهرماه تصحیح نموده اند و علی القاعده باید همین طور باشد» (۳۸۸). ظاهراً هم ناصح و هم مهدوی به واژه تیر در معنای فصل پاییز و خزان توجه نکرده اند. استعمال تیر و ماه تیر به معنی پاییز و ماه های نزدیک زمستان از ویژگی های سبکی شعر عصر غزنوی است (محجوب، بی تا: ۲۳۶). جلال الدین همایی نیز در توضیح بیت زیر از عثمان مختاری:

وصف نگار و باده به تحویل سال و عید نعت بهار و تیر به نوروز و مهرگان

می نویسد: «تیر و مهرگان که در این بیت آمده نه به معنی معروف است که تیر ماه تابستان و جشن مخصوص مهرگان یعنی ۱۶ مهر ماه باشد بلکه منظور اصطلاح دیگری است که در عرف شعرا و لغت نویسان قدیم معمول و متداول بوده است که غالب هر دو کلمه تیر و مهرگان و معربش مهرجان را به معنی فصل پاییز و گاهی مهرگان را به معنی آغاز فصل استعمال می کرده اند» (عثمان مختاری، ۱۳۸۲: ۴۶۲).

۴- نقص در نمایه‌های پایانی

در یک متن مصحح فهرست‌ها از بخش‌های مهم است که موجب تسریع در مراجعه و نمونه‌برداری می‌شود. فهرست‌های پایانی چاپ مهدوی دامغانی بسیار مختصر و تنها محدود به فهرست بعضی از اعلام تاریخی و جغرافیایی و فهرست پاره‌ای از لغات و ترکیبات می‌شود. به این فهرست‌ها می‌توان فهرست آیات و احادیث، فهرست بیتها و مصراع‌ها، فهرست اصطلاحات، فهرست امثال و حکم و... را اضافه کرد.

۵- غلط‌های چاپی

هر چند غلطنامه‌ای در دو صفحه در آغاز دیوان گنجانده شده است با این حال اغلاط بسیاری در متن دیوان و پی‌نوشتها دیده می‌شود که به برخی از آن‌ها در جدول زیر اشاره می‌شود.

بیت	صفحه	صحیح	غلط
پی نوشت	۵	زبر	زیر
۶	۱۱	قلق	فلق
پی نوشت	۲۸	چنخیدن	خجیدن
پی نوشت	۲۹	نجیب	بخیت
۲	۳۷	معمد	محمد
پی نوشت	۶۳	مهپال	مهپپال
پی نوشت	۶۳	پذیره	پذیرد
پی نوشت	۶۳	رهد	دهد
پی نوشت	۷۱	زمان	زفان
پی نوشت	۹۵	دانی	رانی
۲	۱۰۱	اوهم	ادهم
پی نوشت	۱۱۶	که	گه
۷	۱۴۸	پر	بر

## نتیجه

ابوالفرج رونی از شاعران بزرگ زبان فارسی در دوره دوم غزنوی است. او در نو کردن سبک سخن بسیار کوشید به گونه ای که شیوه ای ممتاز در سخنوری در بین معاصران خود به دست آورد. در این مقاله دیوان ابوالفرج رونی تصحیح محمود مهدوی دامغانی مورد ارزیابی و بررسی قرار گرفت و به دلایل متعدد غیر انتقادی بودن این تصحیح نشان داده شد و معلوم شد که برای دستیابی به متنی منقح، تصحیح مجدد و علمی این دیوان ضرورت دارد. دلایل ارائه شده عبارت است از:

- ۱- نامشخص بودن شیوه تصحیح و غیر انتقادی بودن آن.
  - ۲- اشکالات مربوط به نسخه بدل ها از جمله ذکر نکردن نسخه بدل ها، ضبط نادرست نسخه بدل ها، ضبط نکردن حواشی نسخه بدل ها.
  - ۳- اشکالات مربوط به تعلیقات.
  - ۴- نقص در نمایه‌های پایانی.
  - ۵- غلط های چاپی.
- پی نوشت

این مقاله مستخرج از طرح پژوهشی با عنوان تصحیح دیوان ابوالفرج است که در مرکز پژوهشی نسخه پژوهی و تصحیح متن دانشگاه اصفهان در حال انجام است.

## منابع

- ۱- ابوالفرج رونی. (۱۳۰۴). دیوان. تصحیح چایکین. تهران: مطبعه شوروی.
- ۲- ----- (۱۳۴۷). دیوان. تصحیح محمود مهدوی دامغانی. مشهد: کتابفروشی باستان.
- ۳- انوری، اوحدالدین. (۱۳۷۲). دیوان. تصحیح محمدتقی مدرس رضوی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۴- دعویدار قمی، رکن الدین. (۱۳۶۵). دیوان. تصحیح علی محدث. تهران: امیر کبیر.
- ۵- صادقی، علی اشرف. (۱۳۸۴). ضوابط تصحیح متن های کهن. نامه بهارستان، سال ۶، ش ۲-۱: ۲۱۰-۲۰۷.
- ۶- صفا، ذبیح الله. (۱۳۶۳). تاریخ ادبیات در ایران. تهران: فردوس.
- ۷- عثمان مختاری. (۱۳۸۲). دیوان. به اهتمام جلال الدین همایی. تهران: علمی و فرهنگی.
- ۸- فروزانفر، بدیع الزمان. (۱۳۸۳). تاریخ ادبیات ایران. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- ۹- مایل هروی، نجیب. (۱۳۶۹). نقد و تصحیح متون. مشهد: آستان قدس رضوی.
- ۱۰- محجوب، جعفر. (بی تا). سبک خراسانی در شعر فارسی. تهران: فردوس و جامی.
- ۱۱- معین، محمد. (۱۳۶۴). فرهنگ فارسی. تهران: امیر کبیر.
- ۱۲- نظامی عروضی. (۱۳۸۱). چهارمقاله. تصحیح محمد قزوینی و محمد معین. تهران: زوار.
- ۱۳- نفیسی، سعید. (۱۳۶۸). تاریخ نظم و نثر در ایران. تهران: فروغی.
- ۱۴- واله داغستانی، علیقلی. (۱۳۸۴). تذکره ریاض الشعرا. تصحیح سید محسن ناجی نصرآبادی. تهران: اساطیر.